

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۰۵۴ • ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۲ • ۵ ربيع‌الاول ۱۴۴۵ • ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۳ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۶۵۳ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۸ • اذان مغرب ۲۱:۱۸ • اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

# شترت

دیالوگ روز

**جاده - جان هیلکات - ۲۰۰۹**

مرد (ویگو مورتسن): هر موقع احساس کردی اتفاقات بدی داره میفته،

معنیش اینه که هنوز داری مبارزه می‌کنی

و در واقع هنوز زنده‌ای...

**هنر خوانی**

## نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار معرفی شد

«نگهبان شب» آخرین ساخته رضا میرکریمی بیست‌ونهمین نماینده معرفی‌شده سینمای ایران به آکادمی اسکار ۲۰۲۴ شد. «ملاقات خصوصی» به کارگردانی امید شمس و «شهرک» ساخته علی حضرتی دیگر رقیبای میرکریمی بودند که در نهایت «نگهبان شب» نظر کمیته انتخاب نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار را جلب کرد. رضا میرکریمی را می‌توان از جمله فیلم‌سازانی دانست که در سال‌های متمادی آثارش شایسته معرفی به آکادمی اسکار شناخته شده است. اولین بار در سال ۱۳۸۴ با فیلم «خیلی دور خیلی نزدیک» به عنوان نماینده سینمای ایران در آکادمی اسکار انتخاب شد. سال ۱۳۹۱ با «به حبه قند» به عنوان نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار معرفی شد، اما در همان زمان رئیس بنیاد سینمایی فارابی به دلیل بخش ویدئو بی‌نگاهی مسلمانان در وب‌سایت یوتیوب درخواست بایکوت‌کردن اسکار را کرد و با تأیید وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران در آن سال فیلمی به اسکار نفرستاد. «امروز» دیگر ساخته او هم دیگر فیلمی بود که به عنوان نماینده سینمای ایران در اسکار معرفی شد.

تاریخچه حضور سینمای ایران در آکادمی اسکار به سال ۱۹۷۷ برمی‌گردد. «ادیره مینا» ساخته داریوش مهرجویی اولین فیلمی بود که نماینده سینمای ایران در این رقابت جهانی شد؛ فیلمی که میان پنج کاندیدای نهایی جایی نداشت. بعد از این دوره ایران تا ۱۹۹۴ فیلم دیگری به اسکار نفرستاد. «زیر درختان زیتون» ساخته عباس کیارستمی بعد از این وقفه طولانی به اسکار معرفی شد و ایران هر سال معمولاً فیلمی را به آکادمی اسکار معرفی کرده است. در میان فیلم‌سازان ایرانی مجید مجیدی تا به امروز بیشترین حضور را در این رقابت جهانی داشته و با «بچه‌های آسمان» توانست به فهرست پنج کاندیدای نهایی فیلم خارجی‌زبان اسکار برسد و در سال ۱۹۹۸ نامزد دریافت اسکار بهترین فیلم خارجی شده؛ اما نتوانست به تندیس طلایی اسکار دست پیدا کند. تا به امروز خوش‌اقبال‌ترین کارگردان ایرانی در این رویداد جهانی، بی‌تردید اصغر فرهادی است که برای فیلم‌های «جدایی نادر از سیمین» و «فروشنده» جایزه اسکار را دریافت کرده است. امسال هم در میان تمامی حواشی ریزودرشت سینمای ایران و درحالی که سینمای ایران از سمت بسیاری از جشنواره‌های خارجی تحریم شده است، اعضای کمیته انتخاب نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار منوچهر شاهسواری، رسول صدرعاملی، علیرضا حسینی، احمد مرادیپور، محمد داوودی، اکبر نبوی، پرویز شیخ‌طادی، بهروز شعبویی و رائد فریدزاده (دبیر کمیته)، گزینه‌های قانونی معرفی فیلم به این رویداد جهانی را بررسی کردند و قرعه به نام رضا میرکریمی افتاده است. رائد فریدزاده، معاون امور بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی و سخنگوی کمیته انتخاب نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار ۲۰۲۴ درباره روند انتخاب نماینده ایران برای مراسم تأکید کرد: «کمیته انتخاب بعد از برگزاری سلسله جلسات متعدد و بررسی ۴۲ اثر حائز شرایط، در مرحله نخست ۱۵ فیلم را برای بازیابی انتخاب و در نهایت با بررسی چندباره، سه فیلم را به عنوان نامزد نهایی فهرست معرفی به آکادمی اسکار پیش‌رو انتخاب کرد. سه فیلم «ملاقات خصوصی» به کارگردانی امید شمس، «نگهبان شب» ساخته رضا میرکریمی و «شهرک» از ساخته‌های علی حضرتی، آثار دریاافته به مرحله پایانی بازیابی و در نهایت انتخاب نهایی کمیته معرفی نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار بودند تا ضمن احترام به تمامی آثار بررسی‌شده، یکی از این سه فیلم به عنوان نماینده سینمای ایران آکادمی اسکار ۲۰۲۴ شود». با توجه به موقعیت سینمای رسمی ایران طی یک سال گذشته در عرصه بین‌المللی می‌توان از پیش‌تصوراتی درباره واکنش‌ها در مورد این فیلم داشت. طبیعی است که در میان تولیدات اخیر سینمای ایران گزینه‌هایی که در عرصه جهانی موفقیت‌های بیشتری کسب کرده‌اند، از شانس بیشتری برای حضور در این رویداد جهانی برخوردار هستند. فیلم‌هایی که نامشان حتی در فهرست سه فیلم نهایی اعضای کمیته انتخاب فیلم به آکادمی اسکار درج نشده است.



## تجلی عزلت جمعی



**پویا نعمت‌اللهی**

**دکترای علوم ارتباطات**

ورود فوتبالیست مشهور به ایران و اقامتش در یک هتل و آن‌گاه هجوم مردم برای دیدار او، تبدیل به یکی از مهم‌ترین موضوعات رسانه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها شده است. تصاویر صعود مردم از یک تپه با شیب زیاد (که در صورت افتادن از آن ارتفاع خطر مرگ به دنبال دارد) را چگونه باید فهم کرد؟ جامعه‌شناسان، سیاست‌مداران، فوتبالی‌ها، امنیتی‌ها، مردم‌شناسان، سلبریتی‌ها و خلاصه هرکدام از حوزه‌های علوم اجتماعی امکان ارائه پاسخ خود را دارند. درعین‌حال این موضوع را می‌توان از طریق نشانه‌شناسی هم واکاوی کرد. نشانه‌شناسی صرفاً مطالعه معناها و روابط متون نیست، بلکه روابط بین صورت‌های نمودی و صورت‌های محتوایی هم می‌تواند موضوع مطالعه این علم باشد که اصطلاحاً آن را «معنا در عمل» می‌نامند که به معنای فعالیت‌های اجتماعی و مورد استفاده برای کنترل و مدیریت معناست. گفته شده که هتل محل اقامت رونالدو شرایط عادی نداشته و انبوه فرط‌دار رونالدو به حدی بوده که توانستند از موانع امنیتی عبور کرده و درهای هتل را شکسته و به داخل هجوم ببرند. آنها حتی در سنسایش رونالدو شعارهایی هم داده‌اند. اگر این کنش‌ها معطوف به کسب سود و انتفاع مادی بود، امکان توجیه آن وجود داشت؛ اما این‌همه تلاش فقط برای دیدن و رؤیت بی‌واسطه یک سلبریتی فوتبالی است که احتمالاً برای شخص عادی هیچ سود ملموسی به همراه ندارد و چه‌سپا تماماً ضرر است. در نشانه‌شناسی اساساً هر نشانه را مرکب از دو وجه «دال» و «مدلول» می‌دانند. اولی مبنای مادی دارد و تصویری آوایی است و دومی نشانه‌بنیاد

است و یک مفهوم به حساب می‌آید. این دو مؤلفه از هم جدا و مستقل نبوده و به تعبیری مانند دور روی یک کاغذ هستند. نمی‌توان اندیشه را از آوا جدا دانست. ترکیب این دو در قالب «نشانه» ساختار می‌یابد. می‌توان «دال» را در جهان خارج یافت؛ اما «مدلول» یک وجه معنایی دارد که در ذهن اشخاص جریان دارد. این دوسویه‌بودن نشانه به واسطه یک پیوند متداعی ارتباط تک‌تاکت ذهنی پیدا می‌کند. اکنون این کنش‌های مردم عادی برای دیدار با رونالدو را می‌توان در نظام «دال» و «مدلول» مفهوم‌سازی کرد. در اینجا رونالدو یک «دال» است؛ اما این «دال» به چه چیزی دلالت دارد؟ چه چیزهایی را می‌توان «مدلول» این «دال» برشمرد؟ در روزگار حاضر بسیاری از مردم عادی از ارتباطات اینترنتی و ماهواره‌ای برخوردار هستند. آنها به‌راحتی می‌توانند سوار بر بال‌های اینترنت و ماهواره به هر نقطه از جهان عزیمت کنند. بسیاری از مردم (به‌ویژه جوانان و هواداران فوتبال) اطلاعات دقیقی از زندگی، تمرینات ورزشی، روابط خانوادگی، رژیم‌های تغذیه‌ای، شیطنت‌های عاطفی و پرند لباس‌های زیر و روی رونالدو دارند. حتی کوچک‌ترین زوایای ظاهری چهره این فوتبالیست از چشم این هواداران به دور نیست. آنها در هر لحظه که

### یادداشت

## منافع ملی؛ دگرگونی ژئوپلیتیکی پیرامونی



**محمود اشرفی**

دگرگونی ژئوپلیتیک فرجام جنگ‌های بزرگ است، اما گاهی دیپلماسی ناکارا نیز زمینه را برای تغییرات ژئوپلیتیکی فراهم می‌کند. در این مورد کنش‌های سیاسی و فیزیکی در سرزمین‌های فرامزی نزدیک و دوردست مثال‌زدنی است. در مدار دیپلماسی خردمندانه حفظ تمامیت ارضی بیش از جست‌وجوی منافع سیاسی در سرزمین‌های دور اهمیت دارد. حاکمیت ملی ایران در سرزمین بین دو دریای کاسپین و خلیج فارس یک هویت ملی باستانی است. دفاع از تمامیت سرزمین ایران از طریق پاسداری از مرزهای ملی انجام می‌شود اما نمی‌توان از تغییرات ژئوپلیتیکی پیرامونی نیز غافل بود. این دگرگونی‌ها می‌تواند در جهت مخالف منافع ملی ما باشد. سوَدای سیاسی – نظامی جمهوری آذربایجان برای تصرف بخش‌هایی از ارمنستان و قطع ارتباط مرزی ایران و ارمنستان ازجمله تغییراتی بوده که مخالف منافع ملی ایران است. تحلیل‌های سیاسی از تحریکات ترکیه و اسرائیل برای غزم جمهوری آذربایجان در به‌هم‌زدن شرایط ژئوپلیتیکی منطقه حکایت دارد اما واقعیت این است که جمهوری آذربایجان با پشتیبانی ترکیه همواره درصدد اتصال نخجوان به خاک اصلی خود بوده و در این میان فقط مشکل رویارویی با ایران را داشته است. منافع ملی ایران در مناقشه قره‌باغ در فراکرد موازنه قوای منطقه‌ای بود، اما با اشغال بخش‌هایی از ارمنستان و از بین رفتن مرز ایران و ارمنستان منافع ملی و ژئوپلیتیکی کشورمان به‌طور مستقیم به مخاطره خواهد افتاد. تهدیدات پیرامونی ترکمرکز بر دفاع ملی و سرزمینی را با اهمیت می‌کند. همپای حرکت شتابان در راستای حفاظت از تمامیت ارضی، دوری از کنش‌های فرامرزی ضرورت دارد. دفاع از مرزهای کشور اولویت نخست است. آمادگی دفاع سرزمینی به مفهوم جنگ‌طلبی نیست و اساساً در ماجرای مرزی ارمنستان و جمهوری آذربایجان ما با مناقشه سه‌جانبه‌ای روبه‌رو نخواهیم بود؛ زیرا هراس جمهوری آذربایجان از ایران مانع از قطع پیوند مرزی ایران و ارمنستان خواهد بود. این اقدام به‌گونه‌ای ژرف موازنه قوا در منطقه قفقاز را بر هم خواهد زد. کشورهای فرادست و پایین‌دست قفقاز چنین دگرگونی ژئوپلیتیکی را برنخواهند تابید.



• بارش‌های رگباری شدید به میزان بیش از ۲۷۱ میلی‌متر موجب آب‌گرفتگی معابر و جاری‌شدن سیل در نقاط مختلف شهرستان بندر آستارا شد که بل سیبلی در محور مواصلاتی آستارا به طالش تخریب و بازار بزرگ ساحلی این شهر مرزی دچار آب‌گرفتگی شدید شده است.



### شاهنامه‌خوانی

### گشتاسب تاج و تخت از پدر می‌ستاند



**مهدی افشار**

**شاهنامه‌پژوه**

در پی باج‌خواهی قیصر در پادشاهی ایران، لهراسب، دیگر فرزند خویش، زیر را با سپاهی جنگاور روانه روم کرد و از زیر خواست پیش از هرگونه دگربری در رومیان، در آغاز با قیصر به‌گفت‌وگو پردازد. زیر به بارگاه قیصر رفت، امیراتور روم همه نزدیکان خویش را در نشست با ایرانیان فراخواند. زیر با همه کسانی که در این نشست گرد آمده بودند، با خوشرویی برخورد کرد مگر گشتاسب را که نادیده گرفت. قیصر آزرده از این رفتار زیر، انگیزه او را از این نادیده‌نگاری جویا شد و زیر پاسخ داد این مرد پیش از این در درگاه شاه ایران‌زمین بوده که به بهانه‌ای بی‌بنیاد شاه را ترک گفته از این روی از او آزرده‌ایم.

قیصر به گشتاسب نگریست و دانست که فرستاده شاه ایران راست می‌گوید و با آزرگی از او پرسید چرا سخن را در نهفت داشته است. گشتاسب دانست قیصر دل‌نگران نبردی است که در پیش دارد و به روشنی دریافته بود دامادی که خود را فرخ‌زاد می‌خواند، برادر زیر و فرزند شاه ایران است. گشتاسب قیصر را آرام کرداند و گفت همه لشکر شاه ایران او را می‌شناسند و با هنرهايش آشنايند، بهتر آن است که سوی آنان رود به‌گفت‌وگو با آنان تا همه آنچه را آرزو کرده است، برآورده گرداند.

قیصر در پاسخ گفت هر آنچه نیکوتر می‌داند همان کند. گشتاسب با این سخن قیصر اسب خویش را سوار شده به سوی جایگاه زیر روانه شد. سپاهیان ایران با دیدن گشتاسب، پیاده با چشمانی گریان از شادی به پیشوازش شتافتند و همه پیش او نماز بردند، چه دانستند با آشتی ایران و روم رنج دراز کوتاه گردید.

چو لشکر دیدند گشتاسب را، سرفرازتر پور لهراسب را پیاده همه پیش او آمدند؛ و بر آب روی آمدند

و چون به نزد زیر آمد، دوباره خود فرود آمده، برادر را تنگ در آغوش گرفت و از پدر جویا شد. آن‌گاه دو برادر در کنار یکدیگر بنشستند و زیر برادر خود را گفت: «تاج و تخت شهرپاری ایران چشم‌به‌راه توست. پدر اکنون پیر گشته و تو دل جوانی داری، چرا از دیدار پدر روی گردانده‌ای، پدری که نزد تاج و گنج فرستاده و شایسته است دیگر رنج بر خود هموار نگردانی. او اکنون در اندیشه گنج آرامش و نیایش است.» زیر آن‌گاه تاج برمیاه و زینای شهریار ایران را به او داد و تخت عاج را نیز به او سپرد. گشتاسب شادمان از ره‌آورد زیر، بر تخت بنشست و تاج بر سر نهاد.

نبره کاووس کی و همه گودزریان چون بهرام و ساوه و ریو او را به شاهی آفرین خواندند و در جایگاه شهریار ایران ستودند و اکنون همه کسانی که آماده نبرد با او بودند، کمر برمیستند به فرمانبرداری. گشتاسب چون به کام خود رسید، فرستاده‌ای را نزد قیصر فرستاد که آنچه آرزو داشته است، برآورده شده و اکنون زیر و سپاه ایران چشم دارد که به نزد آنان آید تا همه سر به سر با او پیمان دوستی برنهند. قیصر دانست گشتاسب فرزند شهریار ایران بوده است، شتابان نزد او آمد و چون داماد خویش را بر اورنگ شهرپاری آراسته به دهبیم پادشاهی بدید، او را تنگ در آغوش گرفت و از رفتار گذشته خویش پوزش خواست. گشتاسب نیز پوزش او را پذیرفت و از قیصر خواست تا همسرش را نزد او فرستد. قیصر از نزد گشتاسب بازگشت با سرزنش خویشستن و برای کتابون تاج و یاقوت سرخ و گردنبندی پرگوهر و شاهوار و هزار غلام و پسرپار و پنج شتر دینار رومی فرستاد و خردمندی همراه پیشکشی‌ها کرد تا نگهبان گنج‌ها باشد.

دو سپاه چون دانستند دیگر نبردی و کشتاری در کار نیست، شادمان شدند و رومیان به پادکان‌های خود بازگشتند. کتابون چون به نزد گشتاسب بازگشت، هابوهی شادی به آسمان رفت و بزرگان ایران او را شادباش گفتند. آن‌گاه سپاه ایران راه بازگشت را در پیش گرفت. قیصر تا دو ایستگاه آنان را بدرقه کرد. گشتاسب به خواهش از او خواست بازگردد و چون قیصر به روم بازگشت، گشتاسب به همراه زیر راهی ایران شد. چون لهراسب دانست زیر با گشتاسب به سوی ایران بازمی‌گردند، با بزرگان و مهتران به پیشواز او شتافت. پدر با دیدن گشتاسب، او را گرم پذیرا شد. گشتاسب شتابان از اسب فرود آمده، پدر را آفرین کرد و زاری نمود. لهراسب فرزند را آرام کردانده، گفت آنچه روی داد، از چشم پدر نبیند که خواست جهان آفرین بوده است. شادمان از بازگشت فرزند، او را بر تخت نهند، رویش بیوسید و تاج بر سرش نهاد. گشتاسب پدر را گفت: «آرزوی می‌کنم هرگز بی تو این گیتی نباشد، تا روی گیتی هستی، تو را کهتری کنم و از فرمان تو هرگز سر نیچم.»

(آنانی که با شاهنامه در پیوندند، می‌دانند پیش از بزرگمرد توس، دقیقی کمر برسته بود که افسانه‌ها و داستان‌های پهلوانی ایرانیان را به سرایش آورد و دریفا که با همه شگفتی آفرینی‌هایش برای خوی بدی که داشت، یکی از کارگرگاران‌اش او را یکبخت و آن‌گاه فردوسی این کار سترک را پذیرا شد. شاید بخت با ایرانیان یار بود که این بخش مهم از زندگانی ایرانیان به گوشش رادمردی چون فردوسی به درجامی خوش رسد. سراینده شاهنامه به پاسداشت کوششی که دقیقی آغازیده بود، هزار بيتی را که از شاهنامه سروده بود، بی‌کم‌وکاست آورده است و بخشی را که اکنون می‌خوانید از زبان اوست).

چون لهراسب تاج و تخت به گشتاسب سپرد، از تخت فرود آمده، در آتشکده نوبهار بلخ جای گرفت، آتشکده نوبهار چنان گرمای داشته می‌شد که تازبان مکه را این چنین گرمای می‌داشتند. شاه یزدان پرست در خانه جای گرفت و در بر روی خود بیست و خویش و بیگانه را نپذیرفت.

از دگرگونی گشتاسب با پشت‌دادن به اورنگ شهرپاری گفت: «شاهی یزدان‌پرست هستم و یزدان پاک این تخت و کلاه را به من داد است و از آن روی مرا در این بلندجای نشانده که داد را در ایران‌زمین و همه سرزمین‌های وابسته به ایران برپا دارم و برای پیروزی یزدان بچنگم و آزادگان را هرگز در تنگنای نگذارم و چون آیین شاهان را به جای می‌آورم، بی‌بنیان و بدان را به دین خدا خواهم خواند. در این اندیشه‌ام که چنان دادگستری کنم که میش و گرگ از یک آبشخور بنوشند.»

گشتاسب از دختر قیصر، کتابون، دو پسر به نام‌های اسفندیار و پشتون آورد و با استوارشدن پایگاه شهرپاری او، همه کسانی که اندیشه نادرستی درباره ایران داشتند، پای پس کشیده، راه آرامش و دوستی را برگزیدند مگر شاه توران، ارجاسب که در درگاه او دیوان گوش به فرمان ایستاده بودند؛ او هرگز از پادشاهی گشتاسب خوشنود نبود، به‌ویژه آنکه می‌دانست گشتاسب آیین نو و دین بهی را برگزیده و در اندیشه گسترش آن است.

چو گیتی به آن شاه نو راست شد، فریدون دیگر همی خواست شد

گریزش بدادند شاهان همه/ نشستند دل نیک‌خواهان همه

مگر شاه ارجاسب توران خدای/ که دیوان بدندی به پیشش به پای